

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ مارچ ۲۰۲۳

## پاسخی کوتاه به پرسشی در مورد "فرهنگ دینی"!

شنبه - ۰۵ حمل ۱۴۰۲ - کابل: با عرض سپاس خدمت آن‌عده از خوانندگان ارجمندی که یا مستقیماً و یا از طریق پورتال علاقه مندی شان را به دو بحثی که روز گذشته توسط این قلم عنوان شد، یعنی تفکیک بین "تهاجم سلبی" و "تهاجم ثبوتی" که به گفته یک تن از خوانندگان گرانقدر برای بار نخست با چنین شیوه و محتوا توسط این قلم در پورتال "افغانستان آزاد-آزادافغانستان" مطرح می‌گردد و دیگری تفاوت بین "دین و مذهب به مثابه بخشی از فرهنگ" و "فرهنگ دینی - مذهبی" به بحث گرفته شد، جمعی از عزیزان خواستار آن شده اند، تا به ارتباط "فرهنگ دینی" و "چگونگی تحمیل آن در افغانستان" اندکی مکث بیشتر نمایم. با قبول خواست این عزیزان در یادداشت کنونی خواهم کوشید تا در زمینه مختصراً برداشتم را تقدیم دارم، امید دوستانی که فرصت و امکانات بیشتر دارند در جهت تکمیل آن من را یاری نمایند:

۱- "فرهنگ دینی- مذهبی" همان طور که از نامش پیداست مرکب از دو کلمه با معانی مختلف می‌باشد، یعنی فرهنگ و دین. در اینجا جهت سهولت در ادامه بحث و ارائه مطلب، هر یک را به صورت مختصر تعریف می‌نمایم:

\*- هرگاه از ریشه لغوی واژه فرهنگ در زبان "فارسی- دری" و تطابق ابتدائی آن با مفهوم "آموزش"- ایجوکیشن- در زبانهای لاتین و تحول معنایی بعدی آن با کلمه "کلچر" در همان زبانها بگذریم و رأساً به تعریف اصطلاحی آن بپردازیم، و به نوشته "داریوش آشوری" در صفحات ۱۵ - ۱۷ کتاب "تعریف ها و مفهوم فرهنگ" استناد نمایم، به قول وی که می‌نویسد:

«شاید کاربرد دقیق و تعریف مفهوم فرهنگ با تایلور (Tylor) آغاز شد. تایلور در ۱۸۷۱ م. فرهنگ را اینگونه تعریف کرد: "فرهنگ، کلیت در هم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانائی و عادت که آدمی همچون عضوی از جامعه به‌دست می‌آورد."» دیده می‌شود که فرهنگ یعنی تمام آنچه را انسان چه در زمینه مادی و چه در زمینه معنوی طی حیات خودش به وجود آورده، همه شامل فرهنگ می‌گردند؛

\*- **دین**، واژه‌ای است عربی که در لغت به معنای **اطاعت** و **جزا** و... آمده، و اصطلاحاً به معنای **اعتقاد** به آفریننده‌ای برای **جهان** و **انسان**، و دستورات عملی متناسب با این عقاید می‌باشد- و یکی فقه- همچنان در مورد دین تعریفات دیگری نیز وجود دارد، از جمله:

**امیل دورکیم**، دین را اینگونه تعریف کرده است: "سیستمی یکپارچه از عقاید و رسوم [یا سنن] مرتبط با چیزهای مقدس، که چیزهایی را که کنار گذاشته و قدغن شده اند بیان می‌کند - اعتقادات و رسومی [یا سننی] که، همه آن‌هایی را که از آن پیروی می‌کنند، در یک اجتماع یگانه معنوی، که چرخ خوانده می‌شود با هم یکی می‌کند".

طبق تعریفی دیگر، Max Lynn Stackhouse، دین را اینگونه تعریف می‌کند: "جهان‌بینی فراگیر یا "چشم انداز معنوی [یا اخلاقی] متافیزیک"ی که به عنوان الزام‌آور، پذیرفته شده است، زیرا این‌طور اعتقاد دارند که اساساً فی نفسه درست و بحق است، حتی اگر تمام ابعاد آن نتواند کاملاً تأیید یا رد شود." - ویکی پدیا.

۲- حال با تعاریف نسبتاً مشخصی که از هر دو ترکیب "فرهنگ دینی" ارائه داشتیم می‌توانیم "فرهنگ دینی" را بسیار مشخص و روشن تعریف نماییم.

"فرهنگ دینی" به آنچنان فرهنگی گفته می‌شود که تمام آنچه را انسان کشف و یا ایجاد نموده، در تطابق کامل با دینی که از آن پیروی می‌نماید، قرار داده شود. نکته ای که از جانب نظام ملاسالار، طالب و بقیه بنیادگرا ها محترمانه با کلمه "شریعت" توصیف می‌گردد و عامیانه "چوکات اسلام" نامید می‌شود.

یعنی در شرایطی که در یک جامعه "فرهنگ دینی" مسلط باشد، می‌باید تمام امور بر روال انفاذ "شریعت" جریان داشته باشد. در همین زمینه با در نظر داشت این که از لحاظ فقهی "شریعت" فقط دو بخش دارد، یکی "عبادات" شامل اوراد، نماز، روزه، زکات و حج و در صورت لزوم جهاد؛ و دیگری معاملات که جنبه‌ای عمده از شریعت است و شامل تمام تعالیم اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی است بر مبنای چنین تعریفی وقتی از فرهنگ دینی اسلامی صحبت می‌نماییم، نگرش و طرز دیدی را بیان می‌دارد که روابط فرد و جامعه، روابط خانوادگی، روابط اقتصادی و سیستم سیاسی، می‌باید برخاسته و در تطابق مطلق با "شریعت" قرار داشته باشد.

این حلقه به همین اندازه تنگ و محدود باقی نمانده، بادر نظر داشت این که در طی ۱۵ قرن، دین اسلام در کلیت خود به مذاهب مختلف رسمی و غیر رسمی که گاهی تا ۷۲ فرقه از آن نام می‌برند، تقسیم شده است، وقتی جای "فرهنگ دینی" را "فرهنگ مذهبی" مشخصی اشغال می‌نماید، دیده می‌شود که حتا همان اساسات اولی دینی نیز در زیر هزاران من خاک و زباله اضافات مذهبی پوشیده مانده، از مجموع باقیمانده زباله ها "فرهنگ طالبی"، "فرهنگ داعشی" و فرهنگ بقیه نهاد های بنیادگرای وابسته به امپریالیسم شکل گرفته در شرایط اجتماعی خاص کشورها بستر پیدایش، می‌یابد..

فرهنگی که در آن همه چیز به جز آن چه از دهان "لوی ملا"، "آیت الله العظمی"، "دا مولوی" که وی را در مدرسه درس داده، بیرون می‌شود کفر و غیر شرعی می‌باشد و این همان حالتیست که ما در باتلاق آن دست و پای می‌زنیم. هموطنان گرامی!

به ادیان و مذاهب اجازه دادن تا زیر نام تحمیل فرهنگ دینی و یا مذهبی، رقیق‌ترین و خصوصی‌ترین روابط انسانی بین افراد یک جامعه و یا خانواده و یا یک زن و شوهر را تنظیم نماید در عمل بدان معناست که در اتاق خواب و در بستران دقیقاً حین مجامعت با همسران به مرد دیگری نیز اجازه دهید تا به شما به نمایندگی از "الله" و "محمد" امر و نهی نماید. برای در اختیار گرفتن بستر تان، باید با فرهنگ دینی و مذهبی مبارزه نمایند.

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می‌باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**